بررسی الزامات تعلیم و تربیت از منظر رویکرد آینده‌گرایی با توجه به اسناد توسعه جمهوری اسلامی ایران

دکتر محمدحسن کریمی*
دکتر رحمت اله مرزوقی**
دکتر مهدی محمدی***
دکتر محمد مزیدی****
سیده نجمه تقوی‌نسب*****

چکیده

در میان رویکردهای تربیتی، نظریه بازسازی اجتماعی با رویکرد آینده‌گرایی به دلیل در نظر گرفتن تغییرات و تحولات سریع و پیش‌بینی وضعیت آینده می‌تواند در حل چالشهای آتی تعلیم و تربیت مؤثر باشد. این رویکرد معتقد است داشتن نگرشی در مورد آیندهٔ بهتر، سبب می‌شود که اهداف و جهت‌گیری فکری جامعه روشن شود. آینده‌گرایی با در نظر گرفتن تغییرات و پیش‌بینی نیازهای آینده، بر بازسازی ساختارهای فعلی تأکید دارد. آلوین تافلر از نظریه‌پردازان مطرح در حوزه بازسازی اجتماعی آینده‌گراست. او براساس واقعیتهای موجود توصیفی از تحولات جهان آینده را ارائه کرده و با نگاهی جامع، آینده را از ابعاد گوناگون مورد بررسی قرار داده است. هدف پژوهش حاضر، کاوش اسناد توسعه از نظر میزان توجه به الزامات آینده است. طرح پژوهش حاضر از نوع کیفی است و در آن از روش تحلیل محتوای کیفی تجمیعی استفاده‌شده است. در این پژوهش اسناد توسعه، به‌ویژه سند تحول بنیادین آموزش‌وپرورش در هشت مضمون الزامات آینده، در زمینه‌های فرهنگی، آموزشی، توانمندسازی فردی، ساختاری، اقتصادی، دانش و فناوری، ارتباطات و سیاست مورد بررسی قرار گرفته اند. نتایج نشان می‌دهد که اسناد توسعه بر فراهم کردن زمینه‌های مساعد معنایابی و شناخت صحیح ارزشها و تحکیم خانواده تأکید بسیار کرده‌اند. همچنین به توانمندسازی نیروی انسانی تسهیلگر و توسعه محیطهای آموزشی هوشمند، توجه شده است اما نگاه آینده‌گرایانه به تقویت زمینه‌های توانمندسازی فردی مانند مهارتهای تفکر، مهارت تصمیم‌گیری، سواد رسانه‌ای و آموزش مهارتهای زیست‌محیطی کم‌رنگ به نظر می‌رسد. همچنین لازم است اسناد توسعه توجه بیشتری به الزامات فرهنگی آینده ازجمله تکثرگرایی، تفاوتهای فرهنگی و آموزش فرهنگ شهروندی نشان دهند.

کلیدواژگان: بازسازی اجتماعی آینده‌گرا، سند تحول بنیادین آموزش‌وپرورش، اسناد توسعه، تعلیم و تربیت، آلوین تافلر

تاریخ دریافت: ۹۷/۵/۲۹ تاریخ پذیرش: ۹۸/۱/۲۴

* استادیار دانشکده علوم تربیتی دانشگاه شیراز MHkarimi@rose.shirazu.ac.ir
** استاد دانشکده علوم تربیتی دانشگاه شیراز rmarzoghi@yahoo.com
*** دانشیار دانشکده علوم تربیتی دانشگاه شیراز Mmohammadi48@shirazu.ac.ir
**** دانشیار دانشکده علوم تربیتی دانشگاه شیراز mazidi@shirazu.ac.ir
***** دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه شیراز (این مقاله برگرفته از رساله دکتری است) (نویسنده مسئول) taghavinasab.n@gmail.com

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-27]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1399.36.3.1.9]

مقدمه

تغییرات سریع و گسترده، بسیاری از روشهای آموزش‌وپرورش را زیر سؤال برده است؛ چراکه این ساختارها توانایی خود را برای انطباق با نیازهای جدید جوامع ازدست‌داده‌اند (بارو و وودز[1]،۲۰۰۶: ۹). از این رو آموزش‌وپرورش دیگر نمی‌تواند بر اساس نقشهای سنتی خود پاسخگوی نیازهای جدید جامعه باشد، زیرا یک نظام برای بهبود خود، نیاز به تغییرات و نوآوری دارد (چئونگ چنگ[2]،۲۰۱۱؛ تلنت-رانلز[3]، ۲۰۰۷؛ هیکس[4]،۲۰۱۲). هرگونه برنامه‌ریزی بدون توجه به اثرات تغییر و تحولات در حال و آینده به نتیجه نخواهد رسید. در این میان نظریه بازسازی اجتماعی[5] با توجه به تأکیدی که بر آینده دارد معتقد است که برنامه‌ریزی و تأمل درباره آینده، شیوه‌ای مناسب برای جوامع است: «داشتن نگرشی در مورد آیندهٔ بهتر، سبب می‌شود که اهداف و جهت فکری جامعه روشن شود. از آنجا که همه می‌خواهند بدانند، در آینده به کجا خواهند رفت پس اهداف کوتاه‌مدت و ناشناخته فایده‌ای در برندارند.» (براملد[6]، ۱۹۵۶: ۷۵). این رویکرد، علاوه بر این‌که نگرشی فرهنگی و اجتماعی است، رویکردی آینده‌نگر[7] نیز محسوب می‌شود زیرا تغییر یافتن وضعیت موجود با توجه به شرایط آینده است (چنگ[8]،۲۰۱۴). پافشاری بازسازی‌گرایان بر ایجاد بهبود و توسعه، در جامعهٔ پیش‌رو سبب شکل‌گیری بازسازی اجتماعی آینده‌گرا شده است. «آینده‌گرایان تربیتی آن دسته از نظریه‌پردازانی اند که سعی دارند تا خط سیر تحولات اجتماعی و فناورانه را پیش‌بینی کنند. هدف آنان نه‌تنها کاستن از فاصله میان تحول فناورانه و سازگاری اجتماعی با آن است، بلکه تجهیز انسانها به دانش و روش به‌منظور کنترل و هدایت تحول نیز هست» (گوتک، ۱۳۸۸: ۴۶۴). آلوین تافلر[9] (۲۰۱۶– ۱۹۲۸) پیشگام معروف رویکرد آینده‌گرایی است؛ وی آینده را از زوایا و ابعاد مختلف موردبررسی قرار داده است. تافلر نویسنده کتابهای معروف شوک آینده، موج سوم و تغییر ماهیت قدرت است. محور اصلی این کتابها توجه به تغییرات آتی است. او همچنین به‌صورت پراکنده در آثار خود به آموزش‌وپرورش آینده پرداخته است و با تألیف کتابی با «عنوان یادگیری برای فردا: نقش آینده در تعلیم و تربیت» نظر خود را

1. Barrow & Woods
2. Cheong Cheng
3. Tallent-Runnels
4. Hicks
5. Social reconstructionism
6. Brameld
7. Futurism approach
8. Cheng
9. Alvin Toffler

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-27]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1399.36.3.1.9]

درباره اهمیت آینده در فرایندهای تربیتی بیان داشته است. تافلر، تاریخ تمدن بشر را به حضور سه موج پیوسته عصر کشاورزی[1]، عصر صنعتی[2] و عصر اطلاعات[3] که به گفته او از دهه ۱۹۵۰ آغازشده، تقسیم کرده است. وی معتقد است چون ورود به موج سوم همه چیز را عمیقاً دگرگون می‌سازد، لازم است که افراد جوامع گوناگون، پیشاپیش برای حضور در این دوران آماده شوند. به عقیده تافلر در حال حاضر دانش و فناوری مهم‌ترین عامل تغییرات جامعه در موج سوم تحولات جدیدند (ونزکریا[4]،۲۰۱۲)، بنابراین برای یک نظام تربیتی ضروری است که خود را برای این تحولات و پیامدهای آن آماده سازد. با توجه به اهمیت موضوع، مساله اصلی پژوهش حاضر شناخت وضعیت تعلیم و تربیت ایران از منظر رویکرد بازسازی آینده‌گراست، زیرا برای حضور در متن تغییرات آینده لازم است که درک دقیق و نگاه ملی و بومی از واقعیتهای موجود جهانی به‌ویژه در حوزه تعلیم و تربیت داشته باشیم. به طور کلی این پژوهش در پی پاسخ به پرسشهای ذیل است: الزامات تعلیم و تربیت آینده چیست؟ این الزامات در اسناد بالادستی جامعه ایران چگونه دیده‌شده‌اند؟

روش پژوهش

طرح پژوهش حاضر از نوع کیفی است که با روش تحلیل محتوای کیفی[5] انجام‌گرفته است. تحلیل محتوای کیفی را می‌توان روش تحقیقی برای تفسیر ذهنی محتوایی داده‌های متنی از طریق فرایندهای طبقه‌بندی نظام‌مند، کدبندی و مضمون‌سازی دانست (ایمان،۱۳۹۰). این روش تلاشی فراتر از شمارش واحدهای متنی است. آنچه در تحلیل محتوای کیفی مهم است نحوه ارزیابی و تفسیر داده است (بروس و برگستروم[6]،۲۰۱۷). در این پژوهش برای کشف ویژگیهای تعلیم و تربیت آینده از تحلیل محتوا با رویکرد تجمعی یا تلخیصی[7] استفاده‌شده است. این رویکرد با شمارش واژگان آغاز می‌شود و سپس بافت و زمینه مربوط به متن مورد تفسیر قرار می‌گیرد (گرانهایم و لوندمان[8]،۲۰۰۴، هسیه و شانون[9]، ۲۰۰۵). بخش اول، منابع مورداستفاده در این پژوهش، شامل کتابهای آلوین تافلر در حوزه‌های مختلف آینده‌نگری است. بخش دوم منابع پژوهش شامل سند تحول بنیادین، سند چشم‌انداز بیست‌ساله ۱۴۰۴، نقشه جامع علمی کشور و

1. Agricultural wave
2. Industrial wave
3. Knowledge wave
4. Wan Zakaria
5. Qualitative content analysis
6. Boréus & Bergström
7. Summative content analysis
8. Graneheim & Lundman
9. Hsieh & Shannon

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-27]
[DOR: 20.1001.1.10174133.1399.36.3.1.9]

برنامه ششم توسعه است. در جدول ۲ ساختار کلی برنامه‌های توسعه و همچنین جایگاه احکام و تبصره‌هایی نشان داده‌شده است که به برنامه‌های مرتبط با آموزش‌وپرورش پرداخته‌اند.

جدول ۱: جایگاه احکام و تبصره‌های مرتبط با آموزش‌وپرورش در اسناد

برنامه توسعه	ساختار کلی	جایگاه موارد مرتبط با آموزش‌وپرورش
برنامه توسعه ششم ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰	۲۰ بخش،۱۲۴ ماده	بخش ۱۲، مواد ۶۳ تا ۶۷
سند چشم‌انداز ۱۳۸۴ تا ۱۴۰۴	۴ بخش، ۵۲ ماده	ذیل بخش امور فرهنگی، علمی و فناوری
سند تحول بنیادین	۸ هدف کلان، ۱۵ راهبرد کلان و ۲۳ هدف عملیاتی	همه مفاد سند
نقشه جامع علمی کشور	۱۳ راهبر کلان	راهبرد کلان ۶

در این پژوهش، از رویکرد تحلیل محتوای استقرایی مایرینگ استفاده شده است (مایرینگ[1]، ۲۰۱۴). تحلیل محتوای استقرایی شامل فرایندی است که پژوهشگر از جزء به‌کل حرکت می‌کند. به این معنی که بر اساس اهداف پژوهش، کدها و شواهد اولیه از متن بیرون آورده می‌شوند و سپس بر اساس تفاوتها و شباهتها، مقوله‌بندی می‌شوند و درنهایت سازمان‌دهنده‌های اصلی و فراگیر مشخص خواهند شد. به‌منظور ایجاد مضامین پایه از داده‌ها، ۱۲۰ کد اولیه از متون گوناگون استخراج شدند که بیان‌کنندهٔ وضعیت تعلیم و تربیت جوامع آینده از منظر رویکرد آینده‌گرایی بودند. سپس، کدهایی که به یک جنبه مشترک دلالت داشتند، در سازمان‌دهنده‌های مرتبط قرار داده شدند. در ادامه با توجه به این چارچوب اسناد موردنظر بررسی شد. در این پژوهش، برای گردآوری اطلاعات، از فنهای اعتبارپذیری و اعتمادپذیری مانند روش همسوسازی بهره گرفته شده است. به این‌صورت که به‌جز پژوهشگر، چند صاحب‌نظر دیگر نیز به چگونگی پردازش داده‌ها و کدبندیهای مربوط پرداختند. در طول پژوهش با مقایسه مداوم[2] و بازبینی اساتید، برای شفاف‌سازی و معتبر بودن داده‌ها و یافته‌ها تلاش شده است. همچنین برای ارزیابی بهتر از اعتبار ساختاری[3] استفاده شده و از انواع اطلاعات و داده‌ها برای تأیید، حمایت یا یافتن تناقض در تفسیرها بهره گیری شده است.

یافته‌ها

1. Mayring
2. Constant comparison
3. Structural corroboration

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-27]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1399.36.3.1.9]

در این پژوهش، مضمون فراگیر الزامات جامعه آینده در هشت سازمان‌دهندهٔ فرهنگی، آموزشی، توانمندسازی فردی، ساختاری، اقتصادی، دانش و فناوری، ارتباطات و سیاسی به همراه مضامین پایه مربوطه استخراج شده اند (جدول شماره ۲). در ادامه تعلیم و تربیت ایران در این هشت زمینه مورد بحث قرار خواهد گرفت.

جدول ۲: الزامات تعلیم و تربیت آینده

مضمون فراگیر	سازمان‌دهنده	مضامین پایه
الزامات تعلیم و تربیت آینده	ساختار سازمانی	• تمرکززدایی • انبوه زدایی • انعطاف‌پذیری
	ساختار فرهنگی و اجتماعی	• توجه به تفاوتهای فرهنگی • توسعه روابط فرهنگی در سطح جهانی • توجه به ارزشها و معنویات • تحکیم نهاد خانواده
	آموزشی	• چرخش اطلاعاتی به دانش-محوری • محتواهای آینده • معلم تسهیلگر • مکان و زمان آموزش
	توانمندسازی فردی	• مهارتهای تفکر • مهارت تصمیم‌گیری، پیش‌بینی، خود-گردانی • مهارت ارزش‌شناسی • آگاهی زیست‌محیطی • هویت‌یابی
	ساختار دانش و فناوری	• توسعه فناوریهای جدید • توجه به فناوریهای نوظهور
	ارتباطات و رسانه	• رشد رسانه‌های فراگیر • تغییر ماهیت پیام‌رسانی • مخاطبان موج سوم
	ساختار اقتصادی	• ظهور مشاغل جدید • اشتغال
	ساختار سیاسی	• جهانی‌شدن • صلح گرایی

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-27]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1399.36.3.1.9]

• **تعلیم و تربیت ایران و الزامات ساختاری آینده**

در آینده به دلیل تغییرات مداوم، ساختارها باید بتوانند خود را با شرایط و محیط هماهنگ کنند تا توانایی رویارویی با تغییرات را داشته باشند. چالش مدارس آینده درنتیجه تداوم ویژگیها و اصول حاکم بر موج دوم مانند استانداردسازی و همسان‌سازی[1]، همزمان‌سازی[2] و انبوه‌سازی در حیطه آموزشی به وجود خواهد آمد (تافلر،۱۹۷۱). هنگامی‌که از تمرکززدایی صحبت می‌شود، منظور محدوده ساختاری، اجرایی و مدیریتی نیست بلکه باید همه عناصر و مؤلفه‌های دیگر ازجمله روشها، محتوا و برنامه‌های درسی را نیز در نظر گرفت. ضرورت دارد که به تغییر ساختارها در دو بعد سخت‌افزاری و نرم‌افزاری توجه شود. در بعد سخت‌افزاری، تمرکززدایی در ساختارهای اداری و حذف سلسله‌مراتبها و در حالت نرم‌افزاری، تمرکززدایی در برنامه‌های درسی، روشها و آنچه مربوط به روابط درونی آموزشی است، موردنظر است. مدرسه- محوری از نمونه‌های تمرکززدایی در آموزش‌وپرورش است اما باوجود تأکید بر خود-گردانی فعالیتهای مدارس، «به دلیل متمرکز بودن ساختار مدیریت نظام آموزش‌وپرورش، هرگونه تغییر مستلزم تصمیمات در سطح کلان است. نهادهای استانی و مدارس، اختیارات لازم و قانونی را برای این تغییرات ندارند» (محمدی و همکاران، ۱۳۹۵). با توجه به این موارد می‌توان به نکات زیر اشاره کرد:

گرچه در اسناد بر تمرکززدایی تأکید شده اما عملاً خط‌مشی‌ها و برنامه‌های کلی به شکل متمرکز و انبوه ارائه می‌شوند. به‌عنوان‌مثال، تأکید اسناد بر همگون‌سازی فعالیتها و برنامه‌ها همراه با سیاستهای نظارتی، نشانگر حاکمیت ساختار تمرکزگراست. در سند تحول ازیک‌طرف بر واگذاری مسئولیت کلان تربیتی مدرسه به مدیران مدارس تأکید می‌شود و از طرف دیگر به استانداردسازی و تدوین شاخصهای کیفی برای ارزیابی فعالیتهای فرهنگی و تربیتی مدارس اشاره می‌شود که این دو باهم در تضاد هستند. تأکید بر افزایش کارآمدی شوراهای درون مدرسه (هدف ۲- ۱۳ سند تحول)، به دلیل ابهامی که در واگذاری برخی از اختیارات وجود دارد، نمی‌تواند نشانگر سیاست تمرکززدایی باشد. در سند تحول جهت کاهش تراکم و انبوه‌زدایی به مدارس غیردولتی اشاره‌شده است (هدف ۷- ۲۰ سند تحول)، اما از طرفی توسعه مجتمعهای آموزشی به‌منظور اعمال مدیریت یکپارچه تربیتی، درواقع هدایت مکانهای آموزشی به‌سوی انبوه‌گرایی است. گرچه در اسناد، به‌طور مشترک بر تمرکززدایی تأکید شده است، اما بیشتر کوچک شدن ساختارهای فیزیکی و اجرایی

1. Standardization
2. Synchronization

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-27]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1399.36.3.1.9]

دولت موردنظر است. در این میان اشاره به تدوین برنامه‌های آینده‌پژوهانه، اصلاح نظام آموزشی کشور و بازنگری در محتوا و روشهای آموزش (هدف ۴- ۲۲ سند تحول) می‌تواند نشانه‌ای از توجه به انعطاف‌پذیری در برنامه‌های تعلیم و تربیت ایران باشد.

- **تعلیم و تربیت ایران و الزامات فرهنگی و اجتماعی آینده**

توسعه روابط فرهنگی در سطح جهانی: سند راهبردی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بر پایه برنامه ششم توسعه (۱۳۹۴)، بارزترین نقاط ضعف فرهنگی را ضعف تعامل سازنده بخش فرهنگ با دیگر بخشهای نظام و ناکارآمدی ابزارهای فرهنگی در مواجهه با فرهنگ جهانی و نبود راهکارهای منسجم ملی در تعامل فرهنگی با جهان را از نقاط ضعف درون فرهنگی دانسته است. ازآنجاکه فرایند جهانی‌شدن درنتیجه توسعه فناوری، اطلاعات و ارتباطات با سرعت فزاینده در حال پیشرفت است، آنچه در این مورد قابل‌تأمل است و می‌تواند به‌عنوان نقطه‌ضعف این اسناد محسوب شود این است که تبادلات و روابط غالباً در جهت سیاسی و اقتصادی اند و به تعاملات فرهنگی کمتر توجه شده است. لذا انتظار می‌رود که در اسناد توسعه آتی، به تبادلات فرهنگی به ویژه از بعد صنعت گردشگری به شکل دوجانبه بیشتر توجه شود.

توجه به ارزشها و معنویات: معنایابی نیز از نیازهای فرهنگی است. «هر فرد باید معنای زندگی خود را با دیدگاههای وسیع و فراگیر جهانی پیوند دهد و بتواند جایگاه خود را در سطح وسیع‌تر و کلی‌تر پیدا کند» (تافلر،۱۹۸۹: ۳۷۸). «نقش مهم دین و معنویت در جوامع آینده در گزارش آینده‌پژوهی نیز تأکید شده است و حتی گرایش به معنویت‌گراییهای جدید و غیربومی در ردیف متغیرهای دارای اهمیت آمده است» (آینده‌بان، ۱۳۹۵: ۱۵۵). در راستای توجه به معنایابی، دربند ۱ و ۷ سند چشم‌انداز به اعتلای معرفت و بصیرت دینی بر پایه قرآن و مکتب اهل‌بیت و همچنین سالم‌سازی فضای فرهنگی، رشد آگاهیها و فضائل اخلاقی اشاره‌شده است. به نظر می‌رسد، راهکارهای ارائه‌شده در بعد فرهنگ‌سازی و توجه به معنویات بیشتر جنبه بیرونی داشته و عاملیت انسانها کمتر موردنظر قرارگرفته است. این نکته سبب می‌شود که افراد و جامعه به وظایف فرهنگی و معنوی از بعد قانونمندی و جامعه‌پذیری نگاه کنند. در این راهکارها بیشتر به جنبه‌های ساختاری و اقتصادی فضاهای فرهنگی و مناسبات آیینی و مناسکی دین رسمی کشور تأکید شده و به ابعاد دیگر دین‌ورزی و معنویت توجه کمتری شده است. در زمینهٔ دینداری نیز هیچ اشاره‌ای به اقلیتهای مذهبی موجود در کشور نشده است.

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-27]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1399.36.3.1.9]

توجه به تفاوتهای فرهنگی: جامعه ایران دربردارندۀ فرهنگ و قومیتهای گوناگون است و آموزش‌وپرورش آینده باید بتواند در کنار حفظ کلیت و یکپارچگی ملتها، آنها را نیز موردتوجه قرار دهد. «تمایل به تکثر فرهنگی مهم‌ترین مساله فرهنگی ایران، ازنظر کارشناسان بوده است و چالشهای قومی‌محلی در رده متغیرهای بااهمیت زیاد قرارگرفته است» (آینده‌بان، ۱۳۹۶:۱۵۰)؛ بنابراین لازم است به تنوع فرهنگی در برنامه‌های آموزشی توجه شود اما در اسناد اشاره‌ای به تکثر فرهنگی، مذهبی، قومیتی و... نشده است. در سند تحول گرچه به نیازهای مناطق مرزی و دوزبانه اشاره شده است (هدف ۳- ۵ سند تحول) اما تأکید بیشتر بر موقعیت جغرافیایی، روستایی باهدف ارتقای کیفیت و تقویت هویت اسلامی، ایرانی و هویت ملی است. برنامه سند تحول در زمینۀ درس جغرافیای استانها و آموزش زبان مادری، تنها نیاز منطقه ای خاص را برطرف می‌کند، اما توجه صرف به شرایط جغرافیایی و اقلیمی بیانگر تکثر فرهنگی نیست. به نظر می‌رسد در سند تحول، پرورش مهارتهای لازم برای درک فرهنگها و قومیتهای متفاوت، نادیده گرفته‌شده است.

نهاد خانواده: در جامعه آینده ساختارخانواده نیز دستخوش تغییرات و چالش خواهد شد، به‌طوری‌که خانواده هسته‌ای فقط یکی از اشکال موردپذیرش در اجتماع می‌شود. به نظر تافلر شیوه‌های کار در آینده می‌تواند به تداوم خانواده‌های هسته‌ای کمک کند. وی با طرح کلبه الکترونیک[1] معتقد است که «در جوامع آینده، انتقال کار، تولید و... از کارخانه‌ها و ادارات به خانه‌ها امکان‌پذیر است» (تافلر،۱۹۸۹: ۲۰۷). این نوع کارکرد در تحکیم روابط خانوادگی مؤثر است و سبب می‌شود که افراد خانواده زمان بیشتری را باهم باشند. در تمام اسناد توسعه جمهوری اسلامی ایران بر حفظ نهاد خانواده و راهکارهای مرتبط تأکید شده است (هدف ۴ سند تحول، راهکار ۱ تا ۶) (سند چشم‌انداز، بند ۱۴) (ماده ۱۰۱ برنامه ۶). برنامه‌ریزان باید چالشهای آینده را به‌مثابه فرصتهایی برای تحکیم خانواده در نظر بگیرند. به‌عنوان‌مثال هر چه قدر که از شرایط و امکانات فناوری برای انتقال فرصتهای شغلی به داخل خانواده استفاده کنیم، افراد خانواده می‌توانند زمانهای بیشتری را در کنار هم سپری کنند؛ بنابراین لازم است که اسناد توسعه، توجه بیشتری به کارآفرینی و مشاغل خانوادگی نشان دهند. همچنین برای بهره‌مندی زوجهای شاغل از قانونهای دورکاری و تقلیل ساعات کاری زنان، تمهیداتی در نظر گرفته شود. در کنار توجه به زنان شاغل، توجه به رفاه زنان خانه‌دار نیز می‌تواند در تحکیم نهاد خانواده مؤثر واقع شود.

1. Electronic cottage

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-27]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1399.36.3.1.9]

• **تعلیم و تربیت ایران و توانمندسازی افراد آینده**

موج سوم بر تمامی ساختارهای اقتصادی، سیاسی، فناوری و... تأثیر می‌گذارد، لذا نیازهای افراد نیز منطبق بر این ساختارها تغییر خواهد کرد. تافلر «شاخصهای ناپایداری شخصیتی را سخت شدن تصمیم‌گیری، مشکل عدم تعهد[1] و بحران هویت[2] می‌داند» (تافلر،۱۹۷۱:۱۶۳). این ویژگیها درنتیجه تغییرات سریع محیطی در افراد ایجاد می‌شوند. در این میان نظام تعلیم و تربیت باید بتواند به افراد در زمینهٔ انطباق‌پذیری آگاهانه و افزایش مهارتهای مورد نیازشان برای رویارویی با تغییرات کمک کند و افراد را برای حل این بحرانها و چالشها آماده سازد.

مهارتهای تفکر: مهارتهای تفکر ازجمله تفکر خلاق، انتقادی و کل‌نگر از توانمندیهای موردنیاز آینده هستند. «این مهارتها می‌توانند شامل تعریف مساله و حل آن، پیدا کردن شواهد، کلی‌نگری، تأکید بر فعالیتهای فراشناختی و آموزش سؤال‌یابی و... باشند» (هالپرن[3]، ۲۰۰۷). در سند جامع علمی کشور به ایجاد سازوکارهای لازم برای رشد خلاقیتهای علمی، هنری و تربیت تفکر منطقی و عقلانی اشاره شده است. در راهکار توسعه ظرفیت پژوهش سند تحول، به استفاده بهینه از ظرفیتهای موجود، فقط برای مدیران و مربیان اشاره شده است (هدف ۵- ۱۸ سند تحول). در این سند استقرار نظام خلاقیت و نوآوری به‌طور عام و برای همه دانش‌آموزان موردنظر نبوده و هدف این برنامه حمایت از افراد خلاق و نوآور ذکرشده است. در سند تحول به‌جای پرورش مهارتهای تفکر، از واژه اقناع فکری استفاده‌شده است (هدف ۶- ۳ سند تحول). در حالت اقناع‌سازی، هدف‌گذاری و آگاهی‌بخشی به عهدهٔ نهادها و عوامل بیرونی است. در این میان مخاطبان باید ازآنچه بزرگسالان برای آنها تدوین کرده‌اند، پیروی کنند. در این مورد، به دانش‌آموزان به‌مثابه اشخاصی منفعل نگاه شده است. این نوع نگاه سبب شده که سند تحول از مقوله‌ای به نام آموزش عمومی مهارتهای تفکر دور باشد.

مهارت تصمیم‌گیری، پیش‌بینی، خودگردانی: آموزش‌وپرورش آینده‌گرا باید به افراد در زمینهٔ ایجاد درک صحیح نسبت به آینده، کمک کنند (اگان[4]،۲۰۰۹). دانش‌آموزان باید مهارتهای پیش‌بینی ازجمله توانایی یافتن راههای واقعی برای آینده، توانایی تجزیه‌وتحلیل، ارزیابی و ساخت تصاویر غنی از آینده و مهارت حل مساله را بیاموزند (اوجالا[5]،۲۰۱۷). در این میان لازم است که زمینه برای

1. Loss of commitment
2. Identity crisis
3. Halpern
4. Egun
5. Ojala

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-27]
[DOR: 20.1001.1.10174133.1399.36.3.1.9]

خود-گردانی در فراگیران، با کاستن از کنترل عمودی و متمرکز، بیشتر شود. سیاست کنترل عمودی مخاطبان در اسناد، به‌ویژه در سند تحول مشهودتر است. در اسناد موردبررسی سیاستی که توجه به آموزش آینده‌نگری و به‌گزینی داشته باشد کمتر به چشم می‌خورد، تنها در هدف ۲- ۲ سند تحول به خویشتنداری و انتخابگری اشاره‌شده است. راهکارهایی که برای این امر در نظر گرفته‌شده، بیشتر جنبه دستوری و آمرانه دارد و به حضور دانش‌آموزان در مراسم و محافل مذهبی اشاره می‌کند.

مهارت ارزش‌شناسی: در سند تحول، بر پرورش فراگیرانی با فضائل اخلاقی در تمامی ساحتهای تعلیم و تربیت تأکید شده است اما آنچه در این میان مهم است چگونگی ایجاد شرایط مناسب برای پرورش این صفات است. متربیان را باید به‌گونه‌ای آموزش داد که پایه باورهای اخلاقی‌شان خردمندانه باشد. «خردورزی دارای بار فراشناختی است که به تقویت قوهٔ تفکر و منطق خود فرد مربوط می‌شود» (فیشر[1]،۱۸۶:۱۳۸۸). اینکه مربیان و بزرگسالان با ارائه الگوی خودشان و با آموزشهای شفاهی و پاداش و تنبیه، قواعد اخلاقی را به متربیان می‌آموزند، بدون توجه به پرورش عقلانیت، موفقیت‌آمیز نخواهد بود. به همین دلیل لازم است، افراد برای ارزیابی موضوعات گوناگون ابزارهای منطقی در اختیار داشته باشند. در اسناد توسعه گرچه به فرهنگ‌سازی در زمینه ارزشها و معنویات توجه خاصی شده است اما راهکارهای ارائه‌شده، به شکل کلی بیان‌شده‌اند و بیشتر به محورهای فیزیکی و ساختهای روبنایی پرداخته‌اند.

آگاهی زیست‌محیطی: «در دهه‌های آینده جهان با مسائل جدید مانند افزایش خطرات زیست‌محیطی و انرژی روبه‌رو خواهد شد» (تافلر،۱۹۸۹: ۳۳۰). مساله انرژی نیز یکی از مهم‌ترین بحرانهای محیطی است که جوامع آینده با آن روبه‌رو خواهند شد. ازجمله راهکارهای موجود برای حل این بحرانها، آموزش مهارتهای زیست‌محیطی با محوریت آینده است. باید دانش‌آموزان را نسبت به مسائل مربوط حساس کرد و تعهد عملی در آنها به وجود آورد، اما در سند تحول و سند چشم‌انداز به‌طور یکسان و گذرا به توسعهٔ روابط آگاهانه با طبیعت و محیط‌زیست اشاره‌شده است (ذیل هدف ۱ سند تحول) (سند چشم‌انداز، بند ۱۹). با توجه به نقش افراد در پدید آمدن مشکلات زیست‌محیطی آینده، بایسته است بیشتر به این موضوع توجه شود.

هویت‌یابی: به باور تافلر تغییرات مداوم منجر به ایجاد شایع‌ترین بیماری معاصر، یعنی بحران هویت می‌شود، «انسانهای آینده به‌طور مداوم در معرض سبکها و خرده‌کیشهای متغیر و ناپایدار

1. Fisher

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-27]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1399.36.3.1.9]

قرار می‌گیرند و این امر سبب تغییر مکرر هویت افراد می‌شود» (تافلر،۱۹۷۱: ۱۵۷) (تافلر،۱۹۸۹: ۱۲۴). در زمینه هویت‌یابی، اسناد توسعه به مبارزه با ازخودبیگانگی در برابر فرهنگ غرب، تلاش برای شناخت شیوه‌های تهاجم فرهنگی دشمن و الگوی توسعه اسلامی- ایرانی تأکید کرده‌اند و محوریت، بر هویت اسلامی- ایرانی، به‌صورت جمعی و هدایت‌شده در راستای یکپارچگی ملی است. به نظر می‌رسد که در اسناد بر نقش فردی افراد در ساختن هویت خود کمتر توجه شده است. در راهکارهای مربوط به شکل‌گیری هویتها، نظارت و دستورات بیرونی، نسبت به فعال بودن فرد نقش غالب و پررنگی دارند.

- **تعلیم و تربیت ایران و الزامات آموزشی آینده**

چرخش اطلاعاتی به دانش-محوری: تعلیم و تربیت برای حضور در آینده باید به چگونگی استقرار دانش در ساختارهای مختلف جامعه بیشتر توجه کند. ازجمله شاخصهای مهم در این زمینه آموزش مهارتهای یادگیری مداوم است. «یادگیری چگونه یادگرفتن، اینکه فرد بیاموزد که اطلاعات را چگونه طبقه‌بندی کند و صحت آنها را بسنجد» (تافلر،۱۹۸۹: ۲۱۱). در عصر اطلاعات مهارتهای یادگیری به افراد در انتخاب منابع یادگیری و برقراری تعامل با این منابع کمک می‌کند (زیمنس[1]، ۲۰۰۸). این یادگیری شامل ترویج خلاقیت و رضایت شخصی، کمک به افراد برای توسعه و ارتقای توانمندیهای خودشان است (سانی[2]،۲۰۱۲). در نقشه جامع علمی کشور نیز بر نهادینه کردن مدیریت دانش، تعامل اثرگذار و فعال در حوزه علم و فناوری با کشورهای دیگر تأکید شده است. در سند تحول، مفهوم یادگیری مداوم، تنها در یک مورد (هدف ۲- ۱۸ سند تحول)، به‌عنوان مهارت حرفه‌ای برای معلمان آمده است. در این سند به راهکارهایی مانند تنوع محیطهای یادگیری، ایجاد شبکه‌های پژوهشی فعال و تولید محتوا اشاره شده است (هدف ۱- ۱۶ سند تحول) اما این راهکارها بیشتر به ساختارهای فیزیکی اعم از مراکز و مکانهای آموزشی می‌پردازند.

محتواهای آینده: آموزش‌وپرورش آینده در جهت تطابق بیشتر با ویژگیهای خاص دانش‌آموزان حرکت خواهد کرد. ارائه بسته‌های آموزشی عام و یکسان برای همه یادگیران، بی‌توجهی به تفاوتهای فردی است. سفارشی شدن محتوا و انتخاب موضوعات درسی مرتبط با نیازهای آینده، به سازگاری با نیازهای واقعی و بومی کمک خواهد کرد و سبب پیوند میان آموزشهای مدرسه با واقعیات جامعه و زندگی خواهد شد. موج سوم به صنایع جدید با مصرف کمتر انرژی مانند

1. Siemens
2. Soni

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-27]
[DOR: 20.1001.1.10174133.1399.36.3.1.9]

زیست‌شناسی مولکولی، نانو، فیزیک هسته‌ای و... روی خواهد آورد بنابراین شاهد پیشرفتهای سریع رشته‌های علمی جدید خواهیم بود. در نقشه جامع علمی کشور (فصل ۳ سند جامع علمی) به فناوریهای جدید و میان-رشته‌ای مانند هوافضا، هسته‌ای، زیست‌محیطی، اطلاعات و ارتباطات اشاره شده است، اما در سند تحول به رشته‌های موردنیاز آینده، کمتر توجه شده است. گرچه در سند بر تولید بسته‌های آموزشی به‌جای کتاب-محوری فعلی و اتخاذ سیاست چند تألیفی در کتابهای درسی، تأکید شده است، اما با توجه به تمرکز و استانداردهای یکسان نظام آموزشی ایران، چگونگی انجام این موارد مبهم به نظر می‌رسد.

مکان و زمان آموزش: مکان آموزش یکی دیگر از چالشهای آموزشی آینده است. تافلر معتقد است که «در آینده، آموزش به کلبه الکترونیک تحت نظر والدین منتقل می‌شود. وی این حالت را برگشت به پدیده آموزش‌وپرورش در خانه[1] می‌داند» (تافلر، ۱۹۹۱: ۴۰۳). همچنین «زمان آموزش جامعه آینده از وقت‌شناسی عام موج دوم به وقت‌شناسی اختیاری یا اقتضایی تمایل می‌یابد» (تافلر، ۱۹۸۹: ۱۰۵)؛ بنابراین اگر زمانهای آموزش، غیرقابل انعطاف باقی بمانند، می‌توانند چالشی برای نظام تعلیم و تربیت آینده باشند. در هدف ۱۰-۲۱ سند تحول، انعطاف در زمان فقط برای تعیین و متناسب‌سازی ساعات آموزشی با روزهای هفته و تنها برای طراحی تقویم سال تحصیلی و بهینه‌سازی تعطیلات به‌کاررفته است. انعطاف مکانی نیز تنها دربرگیرندهٔ نظام مکان‌یابی مدارس با توجه به تحولات جمعیتی ناظر به پنجاه سال آینده و همچنین متناسب‌سازی فضاهای موجود با توجه به نیازها و جنسیت دانش‌آموزان است (هدف ۲-۲۱ سند تحول). تداوم این امر، ساختار زمانی و مکانی انعطاف‌ناپذیر و متمرکز فعلی را غیرقابل تغییر می‌گرداند. در زمینهٔ محیط و مکان مجازی، تنها در هدف ۴-۱۷ سند تحول به آموزشهای غیرحضوری و مجازی فقط در مورد معلمان، دانش‌آموزان و خانواده‌های ایرانی در خارج از کشور، اشاره‌شده است.

معلم تسهیلگر: از دیگر الزامات آموزش‌وپرورش آینده توانمندسازی نیروی انسانی ازجمله معلمان است. به نظر تافلر بهترین کارمندان آینده افراد آگاه از اوضاع دنیا و هوشیار در برابر تحولات آینده اند (تافلر،۱۹۸۹). در اسناد موردنظر بر معلم-محوری و نقش الگویی، هدایتگر و تسهیل‌کننده معلمان، تأکید شده و برای توانمندسازی نیروی انسانی بر طراحی و اجرای الگوی بالندگی شغلی و حرفه‌ای منابع انسانی تأکید شده است. معلم- محوری، نباید به‌گونه‌ای باشد که عاملیت دانش‌آموز به حاشیه رانده شود و نقش آمرانه معلم پررنگ شود. باید در نظر داشت که

1. Education in home

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-27]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1399.36.3.1.9]

تأکید زیاد بر نقش الگویی معلم می‌تواند آسیبهای تربیتی مانند مغایرت میان عمل و حرف الگوها و درنتیجه بی‌اعتمادی فراگیران را در پی داشته باشد.

- **تعلیم و تربیت ایران و الزامات اقتصادی آینده**

ظهور مشاغل جدید: جامعه دانش-محور، سبب ایجاد مشاغل جدید مربوط به موج سوم می‌شود. مشاغلی که تولید، پردازش و عرضه دانش و اطلاعات را در برمی‌گیرند. «اقتصاد دیجیتالی[1] یا شبکه‌ای بر پایه فناوریهای جدید مانند رایانه‌ها، اینترنت و نرم‌افزارهای نوین قرارگرفته است و مشاغل نوین مرتبط با جستجو و تولید اطلاعات، شیوه تولید در اقتصاد شبکه را با خود به همراه آورده است» (محسنی،۱۹۲:۱۳۸۹). از این طریق بخش قابل‌توجهی از کسب‌وکارهای جدید با استفاده از ارتباطات راه دور، در حال شکل‌گیری هستند. تأثیر فضای مجازی و فناوریهای نوین بر اقتصاد روزبه‌روز بیشتر از قبل، نمایان می‌شود.

اشتغال: کار در دنیای آینده محدود و مرزبندی شده نیست و با اوقات فراغت ترکیب می‌شود. به نظر تافلر «اوقات فراغت به‌نوعی کار بدون حقوق مطرح می‌شود که تحت رهبری و نظارت خود شخص انجام می‌گیرد و به شکل تولید برای مصرف شخصی[2] درخواهد آمد» (تافلر، ۲۸۴،۲۶۶:۱۹۸۹). در آینده، مهارت‌آموزی به‌تدریج جای خود را به مدرک‌گرایی خواهد داد. باتوجه به دورنمای اقتصاد جامعه آینده، آموزش‌وپرورش باید دانش آموزان را برای حضور در عرصه‌های اقتصادی و بازار کار آماده سازد. توجه به پرورش افراد کارآفرین و فراهم کردن زمینه‌های کارآفرینی از الزامات تعلیم و تربیت آینده است که در اسناد به این موارد اشاره شده است (هدف ۵- ۶ سند تحول) (سند چشم‌انداز، بند ۳۷). در راهکارهای ارائه‌شده در اسناد، اوقات فراغت به شکل رسمی و به‌عنوان بخشی از برنامه‌های مدرسه موردتوجه قرارگرفته است (هدف ۲- ۷ سند تحول). برنامه‌های رسمی و از پیش تعیین‌شده برای اوقات فراغت مانع پرورش تخیل و خلاقیتها می‌شوند. در سند تحول به گسترش حرفه‌ها و مهارتهای موردنیاز جامعه و انجام برنامه‌ریزیهای لازم، در همه دوره‌های تحصیلی اشاره‌شده است، اما به نظر می‌رسد تنها نیازهای کنونی دانش‌آموزان مدنظر بوده و اشاره‌ای به رصد نیازهای آینده نشده است. همچنین در اسناد به مشاغل جدید به‌ویژه استارت‌آپها[3] کمتر توجه شده است.

1. Digital economy
2. Rise of prosumer
3. Startup

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-27]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1399.36.3.1.9]

• **تعلیم و تربیت ایران و الزامات رسانه‌ای آینده**

رشد رسانه‌های فراگیر: ازجمله وضعیتی که جوامع و در پی آن نظام تعلیم و تربیت آینده با آنها روبه‌رو خواهد شد، رشد و توسعه در حوزه ارتباطات است. تافلر زیرساخت ارتباطات پیشرفته را دارای شش ویژگی متمایز می‌داند که عبارت‌اند از: «کنش‌پذیری[1]، تحرک[2]، تبدیل‌پذیری[3]، اتصال‌پذیری[4]، حضور در همه‌جا[5] و جهانی‌شدن[6]. وی «نادیده گرفتن این روابط را از طرف نظام آموزشی آینده نوعی فریب می‌داند» (تافلر، ۱۹۹۱: ۳۹۸، ۴۰۷). به نظر تافلر «موج سوم به‌جای آنکه تحت سلطه فرهنگی چند رسانه همگانی باشد، بر رسانه‌های غیر انبوه تأکید دارد» (تافلر،۱۹۸۹: ۳۵۱).

تغییر ماهیت پیام‌رسانی: «پیامهای آینده به صورتی درخواهند آمد که بیشترین اثر را بر یک نفر داشته باشند تا بر یک گروه» (تافلرو تافلر،۱۹۹۳: ۲۰۲). سفارشی و فردی شدن ارتباطات که در تمدن موج دوم شامل هزینه‌ها و زمانهای بسیار می‌شود، در موج سوم به آسانی اتفاق خواهد افتاد. رسانه‌های آینده قابلیت ایجاد ارتباطهای دوسویه رادارند. تافلر انقلابی‌ترین ویژگی وسایل ارتباطی آینده را «داشتن قابلیت کنش متقابل رسانه‌ای می‌داند» (تافلر،۱۹۸۹: ۵۳۸). به این معنی که پیام‌گیران با پیام‌دهندگان می‌توانند ارتباط متقابل برقرار کنند.

مخاطبان موج سوم: رشد آگاهی رسانه‌ای افراد از الزامات آینده است. «سازمان جهانی یونسکو سواد رسانه‌ای را به‌مثابه توانایی مخاطب به مثابه مصرف‌کننده رسانه، در تفسیر و قضاوت آگاهانه و به‌عنوان تولیدکننده ماهر اطلاعات و پیامهای رسانه‌ای بر اساس حقوق خود می‌داند» (مادتین[7]،۲۰۰۹: ۱۰). نکته مهم این است که آیا نظام تربیتی آینده بدون در نظر گرفتن تأثیرات انقلاب ارتباطی موفق می‌شود؟ آیا ارسال پیامهای واحد از طریق رسانه‌های همگن و خاص در تعلیم و تربیت آینده پاسخگوی مخاطبان موج سوم خواهد بود؟ آیا رسانه‌های همگانی برای پاسخگویی به نیازهای ارتباطی و فراهم آوردن تنوع فرهنگی، توانایی کافی خواهند داشت؟

باوجوداینکه در برنامه‌های توسعه به رشد سریع رسانه‌ها اشاره‌شده است اما حوزه ارتباطات هنوز در سیطره رسانه‌های موج دوم قرار دارد. در اسناد گوناگون بر صداوسیما به‌عنوان تنها مرجع

1. Interactivity
2. Mobility
3. Convertibility
4. Connectivity
5. Ubiquity
6. Globalization
7. Madtin

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-27]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1399.36.3.1.9]

رسانه‌ای در ایران تأکید شده و افزایش کمی و کیفی برنامه‌های صداوسیما به مثابه دانشگاه عمومی کشور ازجمله خط‌مشی‌های اساسی است که در این زمینه نگاه آینده‌گرایانه و جهانی به رسانه‌ها نشده است. در اسناد گوناگون برای مقابله با چالشهای آینده در این حوزه، شبکه ملی اطلاعات و ارتباطات (اینترانت) برای مدارس پیشنهادشده است (هدف ۱– ۱۷ سند تحول). در زمینه توجه به نیاز سواد رسانه‌ای، دانش‌آموزان در فضاهای مجازی به شکل افرادی منفعل دیده‌شده‌اند که باید تحت کنترل و هدایت مستقیم باشند و تمهیداتی برای حضور آگاهانهٔ آنها فراهم نشده است.

- **تعلیم و تربیت ایران و الزامات فناوری و دانش آینده**

رشد سریع فناوریها: تافلر جامعه آینده را مملو از محیطهای هوشمند بی‌شماری می‌داند که همه اطراف فرد را فراگرفته‌اند. «در محیطهای آینده، شبکه‌های الکترونیک فوق هوشمند همه‌جا را احاطه خواهند کرد» (تافلر،۱۹۹۱،۱۹۸۹، ۱۹۹۵). به نظر وی در این محیطها، اهمیت نرم‌افزارها بیش از سخت‌افزارها خواهد بود. باید تلاش شود تا محیطهای آموزشی سنتی به سمت محیطهای هوشمند سوق داده شوند. علاوه بر تجهیز محیطهای آموزشی به فناوریهای روز باید معلمان، والدین و دانش‌آموزان به توانایی کاربرد آگاهانه از فناوریها نیز مجهز شوند. در سند تحول به بهره‌گیری از تجهیزات و فناوریهای آموزشی تربیتی نیز تأکید شده است (هدف ۱–۱ سند تحول).

توجه به فناوریهای نوظهور: مقاومت در برابر فناوری در هر دوره امری آشکار بوده است، اما باید توجه داشت که «در محیطهای فوق هوشمند آینده، کوششهای بدون تأمل برای پیشگیری و متوقف کردن فناوریها ویرانگر است» (تافلر،۱۹۷۱:۲۱۸). فناوریهای گوناگون، دارای زبان خاص خود و حامل ارزشهای فرهنگی اند. اگر امروز واژه‌هایی چون یوتیوب، اسکایپ، تلگرام، واتساپ، فیلترشکن و یا واژه‌هایی جدیدتر مانند اسنپ، تپ‌سی، جی. پی. اس، آموزشهای مجازی، مفاهیمی آشنا به نظر می‌آیند تا چند سال پیش‌واژگانی ناآشنا به‌شمار می‌آمدند. بسیاری از کسانی که نخست مخالف سرسخت تغییرات و فناوریها بودند، اکنون خود از مصرف‌کنندگان این نوآوریها هستند؛ بنابراین نمی‌توان مانع حضور این مصادیق در جامعه به ویژه در میان نسل جوان شد و در این زمینه‌ها باید انعطاف‌پذیری بیشتری در تدوین برنامه‌های مربوط باشد. در سند چشم انداز به کسب فناوریهای نو (سند چشم‌انداز، بند ۹) اشاره شده است اما در سند تحول نشانه‌ای از توجه به فناوریهای نوظهور نبود.

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-27]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1399.36.3.1.9]

• **تعلیم و تربیت ایران و الزامات سیاسی آینده**

جهانی‌شدن: جهانی‌شدن پدیده‌ای بسیار گسترده است که عموماً آن را در سه بعد اقتصاد، فرهنگ و سیاست، موردبررسی قرار می‌دهند (میسائی و همکاران،۱۳۹۴). تعاملات جهانی در بعد سیاسی حائز اهمیت است، چراکه دولتها برای حل مناقشات و مشکلات پیش‌رو، نیاز به راه‌حلهای جهانی و بین‌المللی دارند. در سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ ازجمله ویژگیهای جامعه ایرانی، تعامل سازنده و مؤثر با جهان بر اساس اصول عزت، حکمت و مصلحت و حضور تأثیرگذار ایران در سطح جهان بیان شده است، از این رو انتظار می‌رود که در اسناد جدید برای رسیدن به این هدف به تعاملات جهانی توجه بیشتری شده باشد. دانش‌آموزان باید از حقوق و وظایف شهروندی خود و موضوعات جهانی آگاهی داشته باشند و بتوانند منافع ملی، منطقه‌ای و جهانی را تجزیه‌وتحلیل و میان آنها تعادل برقرار کنند. در سند تحول برای ورود دانش‌آموزان به پدیده جهانی‌شدن و آموزش مفهوم شهروند جهانی و تعاملات بین‌المللی تلاشی صورت نگرفته است. تنها قسمتی که به مشارکت فعال در تعاملات بین‌المللی و مراکز علمی جهانی توجه شده است مربوط به بازمهندسی تربیت‌معلم است (هدف ۲- ۱۱ سند تحول). در همین بند فقط به رصد کردن تحولات تربیت‌معلم در سطح منطقه، جهان اسلام و بین‌الملل و بومی کردن تجربیات مربوطه تأکید شده است که می‌بایست سطح جهانی نیز به آن اضافه شود.

صلح گرایی: تافلر با پیش‌بینی خطر جنگهای آینده در عرصه سیاسی، معتقد است که در آینده مسائل اجتماعی و فرهنگی مانند بحرانهای جنگ، خشونت، صلح و... در اولویت قرار می‌گیرند (تافلر،۱۹۸۹). در میان این دنیای پرهیاهو بایسته است که در تربیت سیاسی، مفهوم صلح و آموزش آن، به یک ضرورت تبدیل شود. یونسکو در سال ۱۹۹۹ مؤلفه‌های صلح را دموکراسی و حقوق بشر، تعاون و همبستگی، حفظ فرهنگها، درنظرگرفتن دیگران، رعایت حقوق بین‌المللی، حفاظت از محیط‌زیست و معنویت تعریف کرده است. در این زمینه نیاز به آموزش مفاهیم صلح و دوستی در اسناد به چشم می‌خورد. افتخارات ملی و تعلق اجتماعی شهروندان به جامعه، یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در همبستگی اجتماعی به شمار می‌آیند. در سند تحول، به ایجاد سازوکار برای تقویت انسجام اجتماعی، وحدت ملی و احیای هویت اسلامی- ایرانی تأکید شده است، اما این مصادیق، به شکل محدود تنها سرود ملی و پرچم جمهوری اسلامی را در برگرفته و به دیگر میراثها و تعلقات ملی و فرهنگی اشاره‌ای نشده است. اشارهٔ اسناد توسعه (ماده ۱۰۵ برنامه ۶) در

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-27]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1399.36.3.1.9]

زمینهٔ به‌کارگیری امکانات برای مقابله با خشونت‌گرایی، تروریسم و افراط‌گرایی می‌تواند نشانه توجه به صلح‌گرایی باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش الزامات آینده، در هشت مضمون سازمان‌دهنده زمینه‌های ساختاری، فرهنگی، آموزشی، توانمندسازی فردی، اقتصادی، دانش و فناوری، ارتباطات و سیاست، موردبررسی قرار گرفته اند. در الزامات ساختاری تمرکززدایی بیشتر به ساختارهای فیزیکی و کوچک شدن دولت ازنظر اجرایی مرتبط است و خط‌مشی‌ها و برنامه‌های کلی به شکل متمرکز ارائه می‌شوند. در الزامات فرهنگی به تعاملات و پرورش مهارتهای لازم برای درک فرهنگهای متفاوت، کمتر توجه شده است. همچنین در راهکارهای مربوط به دین و معنویت بیشتر به بعد آیینی و مناسکی دین رسمی کشور تأکید شده که لازم است به قابلیتهای فردی و اجتماعی افراد در عرصه دین‌ورزی بیشتر میدان داده شود. در زمینه توانمندسازی افراد در سند تحول به‌جای پرورش مهارتهای تفکر، تأکید بر اقناع‌سازی است و به دانش‌آموزان به‌عنوان اشخاصی منفعل توجه شده است. در راهکارهای مربوط به شکل‌گیری هویتها، نظارت و دستورات بیرونی، نسبت به فعال بودن فرد نقش غالب و پررنگی دارند. در زمینه آموزشی بایسته است نگاه اسناد توسعه به محتوا، زمان و مکان آموزشی منعطف‌تر باشد. همچنین تأکید بر معلم- محوری، نباید به‌گونه‌ای باشد که عاملیت دانش‌آموز به حاشیه رانده شود و نقش آمرانه معلم پررنگ شود. در اسناد به‌ویژه در سند اقتصاد مقاومتی، بر اقتصاد مبتنی بر دانش و دانایی، توسعه و رشد فکری نیروی کار، توجه شده است اما به مشاغل جدید آینده به‌ویژه استارت‌آپها توجه نشده است. در زمینه ارتباطات، نگاه اسناد به رسانه‌های سنتی رادیویی و تلویزیونی و تأکید بر محدوده جغرافیایی در سطح ملی است که در این زمینه نگاه آینده‌گرایانه و جهانی به رسانه‌ها نشده است. همچنین به نقش آگاهانه و انتخاب‌گری جوانان و مجهز کردن مخاطبان به سواد رسانه‌ای نیز اشاره نشده است. در مورد فناوریهای جدید سند تحول نتوانسته پیوند لازم را با نقشه جامع علمی کشور برقرار سازد و توجه به رشته‌های نوپدید آینده، کمتر به چشم می‌خورد. در اسناد موردبررسی، در زمینه الزامات سیاسی برای ورود دانش‌آموزان به پدیده جهانی‌شدن و آموزش مفهوم شهروند جهانی و تعاملات بین‌المللی تلاشی صورت نگرفته است. همچنین در مورد حقوق شهروندی و مفاهیم صلح و دوستی راهکار روشنی ارائه نشده است. با توجه به پیچیدگیهای امر تربیت و تغییرات سریع، سیستم آموزشی باید آماده حضور در وضعیت جدید باشد؛ از این رو، باید در تدوین برنامه‌های توسعه، شناخت دقیقی از وضعیت آینده در افقهای زمانی طولانی وجود داشته باشد و همراه با نگاه جهانی، شرایط بومی نیز دیده شود تا فاصله‌های موجود کمتر شود.

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-27]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1399.36.3.1.9]

منابع

آینده‌پژوهی ایران. (۱۳۹۵). *آینده‌بان*، رسانه تخصصی آینده‌پژوهی. مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری. انتشار دیجیتالی. اردیبهشت ۱۳۹۵

_____. (۱۳۹۶). *آینده‌بان*، رسانه تخصصی آینده‌پژوهی. مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری. انتشار دیجیتالی. فروردین ۱۳۹۶.

ایمان، محمدتقی و نوشادی، محمودرضا. (۱۳۹۰). تحلیل محتوای کیفی. *پژوهش*، ۳ (۲)، ۱۵-۴۴.

دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش. (۱۳۹۰). *سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، (سند مشهد مقدس)*. تهران: وزارت آموزش و پرورش با همکاری شورای عالی انقلاب فرهنگی.

دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام. (۱۳۸۳). *سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴*. انتشارات دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت.

_____. (بهمن ۱۳۹۲). *سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی*.

سازمان برنامه و بودجه. (۱۳۹۵). *قانون برنامه پنجساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۴۰۰-۱۳۹۶)*. تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.

شورای عالی انقلاب فرهنگی. (۱۳۸۹) *نقشه جامع علمی کشور*.

فیشر، رابرت. (۱۳۸۸). *آموزش و تفکر*، ترجمه فروغ کیان‌زاده. تهران: رسش.

گوتک، جرالد ال. (۱۳۸۸). *مکاتب فلسفی و آراء تربیتی*، ترجمه محمدجعفر پاک‌سرشت. تهران: سمت.

محسنی، منوچهر. (۱۳۸۹). *جامعه‌شناسی جامعه اطلاعاتی*. تهران: دیدار.

محمدی، شیرکوه؛ کمال خرازی، سید علی‌نقی؛ کاظمی‌فرد، محمد و پورکریمی، جواد. (۱۳۹۵). مدیریت آموزش چندفرهنگی در مدارس ایران: فراتحلیلی کیفی. *فصلنامه مدیریت مدرسه*، ۴ (۲)،۸۷-۱۰۷.

میسایی، قاسم؛ فلاحت‌پیشه، حشمت‌الله و دین‌پرست، فائز. (۱۳۹۴). جهانی‌شدن در برنامه‌های توسعه جمهوری اسلامی ایران (مطالعه برنامه‌های سوم، چهارم و پنجم توسعه ج.ا.ا). *فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست*، ۴ (۱۵)، ۳۷-۶۸.

وزارت علوم، *تحقیقات و فناوری*. (۱۳۹۵). *گزارش فرهنگ رسانه و اجتماع -۱۱، ابعاد فرهنگی برنامه ششم توسعه*.چاپ: دفتر فنی تولی

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. (۱۳۹۴). *سند راهبردی برنامه ششم توسعه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی*، ویرایش هفتم. دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی راهبردی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

Barrow, R., & Woods, R. (2006). *An introduction to philosophy of education*. London and New York: Routledge.

Boréus, K., & Bergström, G. (2017). *Analyzing text and discourse*: *Eight approaches for the social sciences.* SAGE Publications LTD.

Brameld, T. (1956). *Toward a reconstructed philosophy of education*. New York: Dryden Press

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-27]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1399.36.3.1.9]

Cheng, Y.H. (2014). *A study on the philosophical rationale of industrial design education*. Available at: https://silo.tips/download/a-study-on-the-philosophical-rationale-of-industrial-design-education

Cheong Cheng, Y. (2011). Towards the 3rd wave school leadership. *Revista de investigación Educativa*, *29*(2), 253-275.

Egun, A. C. (2009). Educational futurism: A case for the teaching of agricultural education to youths in Nigeria. *International Journal of Educational Sciences, 1*(1), *53-60.*

Graneheim, U. H., & Lundman, B. (2004). Qualitative content analysis in nursing research: Concepts, procedures and measures to achieve trustworthiness. *Nurse Education Today, 24*(2), 105-112.

Halpern, D. F. (2007). The nature and nurture of critical thinking. In R. J. Sternberg, H. L. Roediger III, & D. F. Halpern (Eds.), *Critical thinking in psychology* (pp. 1-14). Cambridge University Press.

Hicks, D. (2012). The future only arrives when things look dangerous: Reflections on futures education in the UK. *Futures, 44*(1), 4-13.

Hsieh, H. F., & Shannon, S. E. (2005). Three approaches to qualitative content analysis. *Qualitative Health Research*, *15*(9), 1277-1288.

International Bureau of Education, UNESCO. (1999). *Educational Innovation and Information*. Geneva: IBE.

Madtin, L. (2009). Interventions to improve late life. *Population and Development Review*, *35*(2), 331-340.

Mayring, P. (2014). *Qualitative content analysis: Theoretical foundation, basic procedures and software solution*. Klagenfurt, Austria.

Ojala, M. (2017). Hope and anticipation in education for a sustainable future. *Futures, 94*, 76-84.

Siemens, G. (2008). *Learning and knowing in networks: Changing roles for educators and designers.* Presented to ITFORUM for Discussion.

Soni, S. (2012). Lifelong learning, education and training. *Learning and Teaching Methodology, 5945*, 1-14.

Tallent-Runnels, M. K. (2007). Resources for gifted students studying the future. *Gifted child today*, *30*(1), 50-54.

Toffler, A. (1971). *Future shock*. New York: Random House

_____. (Ed.). (1974). *Learning for tomorrow: The role of the future in education.* New York, NY: Random House.

_____. (1989). *The third wave*. Bantam Books.

_____. (1991). *Power shift: Knowledge, wealth, and violence at the edge of the 21st century mass market* .Bantam Books.

Toffler, A., & Toffler, H. (1993). *War and anti-war: Survival at the dawn of the 21st century.* Little Brown & Co.

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-27]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1399.36.3.1.9]

_____. (1995). *Creating a new civilization: The politics of the third wave.* Turner Publishing Inc.

Wan Zakaria, W. F. A. (2012). Alvin Toffler: Knowledge technology and change in future society. *International Journal of Islamic Thought, 1,* 54-61.

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-27]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1399.36.3.1.9]